

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی

دکتر ناهید پوررستمی*

تاریخ پذیرش: ۲۶ بهمن ۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۱ اسفند ۱۳۸۹

وقوع بحران‌های پولی و بانکی و هزینه‌های سنگین ناشی از این بحران‌ها در سه دهه اخیر، موجب شده که به نقش نهادها و محیط نهادی در بازارهای مالی توجه ویژه شود و مبحث حکمرانی تنظیمی و کنترلی^۱ در بازارهای مالی، در کنار حکمرانی عمومی^۲ مورد توجه قرار گیرد. تبیین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری وضعیت مقررات نظارتی در بازارهای مالی از جمله مباحث جدیدی است که در قالب حکمرانی تنظیمی و کنترلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این راستا اصول محوری کمیته بازل^۳ با هدف استانداردسازی بازارهای مالی در سال ۱۹۹۷ توسط کمیته نظارت بانکی بازل متشکل از نمایندگان آژانس‌های نظارتی بانک در کشورهای پیشرفته^۴ تعریف و منتشر شده و هم‌اکنون این اصول از سوی بسیاری از کشورها پذیرفته شده است. در این مطالعه ابتدا نقش محیط نهادی و رابطه آن با شاخص‌های توسعه بخش بانکی در ۵۳ کشور برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰ با استفاده از داده‌های تلفیقی^۵ بررسی شد. نتیجه بیانگر تأثیر مثبت و معنادار وضعیت حاکمیت قانون و نظم عمومی به عنوان شاخص وضعیت حکمرانی عمومی، در توسعه بخش بانکی است. در بخش دوم مطالعه، رابطه وضعیت نحوه

prostami@ut.ac.ir

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

1. Regulatory Governance
2. Public Governance
3. The Basel Core Principles Committee

۴. کمیته بازل ابتدا متشکل از نمایندگان کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، اسپانیا، سوئد، سوئیس، انگلیس و امریکا بود که هم‌اکنون شامل کشورهای آرژانتین، استرالیا، برزیل، چین، هنگ کنگ، هند، اندونزی، کره، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی و ترکیه نیز می‌شود. کمیته با ناظران کشورهای غیر عضو مشورت می‌کند.

5. Panel

پاسخگویی و استقلال نهادهای تنظیمی و کنترلی^۱ با شاخص‌های توسعه بخش بانکی در ۵۳ کشور بررسی شد. نتیجه برآوردها، معناداری رابطه میان وضعیت شاخص‌های تنظیمی و کنترلی با شاخص‌های توسعه بخش بانکی را تأیید نمی‌کند. به این ترتیب در نمونه مورد مطالعه، رابطه معنادار میان نتایج ارزیابی بازل با متغیرهای توسعه بخش بانکی مشاهده نمی‌شود. هرچند این یافته با نتیجه برخی مطالعات^۲ مطابقت دارد اما بدون تردید اثبات دقیق‌تر این موضوع نیاز به افزایش تعداد نمونه و همچنین وجود حداقل دو دوره از نتایج ارزیابی‌ها براساس استاندارد بازل دارد.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی تنظیمی و کنترلی، حکمرانی عمومی، نهادهای مالی، توسعه بخش بانکی، اصول محوری بازل، استقلال نهادهای تنظیمی، پاسخگویی نهادهای تنظیمی. طبقه‌بندی JEL: G21، G28.

۱. مقدمه

وقوع بحران‌های بانکی و تأثیر گسترده آنها بر اقتصاد کشورها در سه دهه گذشته، به همراه کاهش رشد اقتصادی کشورهای بلوک شرق پس از تلاش برای حرکت به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار، موجب شد که از یک سو شرایط نهادی مناسب و لازم برای اجرای سیاست‌های آزادسازی مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر کاهش نقش دولت در بازارها به خصوص بازارهای مالی، که از دهه ۱۹۷۰ با طرح مباحث مک‌کینون و شاو در دستور کار بسیاری از دولت‌های کشورهای در حال توسعه قرار گرفته بود، مورد تجدید نظر قرار گیرد. مقررات‌زدایی از سیستم بانکی و بازنگری در حوزه مداخلات دولت در بازارهای مالی، مقوله‌هایی هستند که در این سه دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان قرار گرفته و مطالعات گسترده‌ای در این حوزه صورت گرفته است.^۳ رویکردانی از نظریه «دولت حداقل» از اواسط دهه ۱۹۹۰ و توجه به رویکرد «حکمرانی خوب» متأثر از شرایط گفته شده، تعریف و ارائه شدند. نظریه پردازان اصلی این مباحث، داگلاس نورث (۱۹۸۷) و ژوزف استیگلیتز (۱۹۹۴) بودند که نقش نهادها و دولت را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند.

۱. برگرفته از نتایج ارزیابی به عمل آمده بر مبنای اصول بازل

۲. راجیت لال (۲۰۰۹)

۳. مک‌کینون (۱۹۷۳)، شاو (۱۹۷۳)، یون ج چو (۱۹۸۴)، ویسنت گالیس (۱۹۷۷) و فرای (۱۹۷۸، ۱۹۸۰، الف، ۱۹۸۰)

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۵۷

مطالعات گسترده‌ای در بازارهای مالی برای بررسی علل وقوع بحران‌ها و همچنین شرایط و بسترهای لازم برای توسعه مالی در طول سه دهه اخیر انجام شد که از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش‌ها عدم توجه صرف به آزادسازی نرخ بهره و لزوم وجود شرایط محیطی و نهادی مناسب در کشورها برای اجرای سیاست آزادسازی نرخ بهره است. اصلی دمیگرچ-کانت و انریکا دترایگاش^۱ برای اولین بار تأثیر نهادهای قانونی در افزایش احتمال وقوع بحران‌های بانکی را مطالعه کردند و نشان دادند که وضعیت نامناسب نهادهای قانونی مانند کنترل فساد، حاکمیت قانون و نظم عمومی و الزامات اجرای خوب قراردادها^۲ در افزایش احتمال وقوع بحران‌های بانکی نقش بسزایی دارد. در مطالعات بعدی تلاش شد تا ضمن ارائه چارچوب نظری مناسب، شاخص‌هایی برای تبیین وضعیت نهادی در بخش مالی تعریف شود.

کافمن (۲۰۰۲) و داس و کوینین (۲۰۰۲) نیز با استفاده از مفهوم حکمرانی عمومی، تلاش نمودند تا وضعیت حکمرانی خوب در بخش مالی را شاخص‌سازی کنند. آنها با توجه به ویژگی منحصر به فرد بخش مالی (به لحاظ ساختار و حوزه گسترده این بخش) و پیچیدگی‌های آن، مفهوم جدیدی را با عنوان «حکمرانی تنظیمی و کنترلی»^۳ ارائه کرده و شاخص‌هایی را برای تبیین وضعیت حکمرانی تنظیمی و کنترلی ساختند. صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل نیز طرح‌هایی را براساس مدل‌های یادشده اجرا نموده و ضوابطی را برای ارزیابی وضعیت بازارهای مالی کشورها تنظیم و ارائه نموده‌اند. اما با وجود تلاش‌های گفته شده، اقتصاد دنیا هم اکنون بحران مالی وسیعی را تجربه می‌کند و نکته حائز اهمیت آن است که بحران مالی در کشورهایی اتفاق می‌افتد که استانداردها و پروتکل‌های تنظیمی در این کشورها به نظر بهترین است و در واقع این استانداردها در قالب استاندارد بین‌المللی سرمایه کمیته بازل و اصول و معیارهای اصلی این کمیته به دیگر کشورها نیز توصیه می‌شود.

در این مطالعه در نظر است با استفاده از آخرین داده‌های موجود در بازارهای مالی، نقش نهادهای قانونی در توسعه مالی مورد بررسی قرار گیرد و ضمن مروری بر مفاهیم یادشده، تلاش می‌شود با استفاده از رتبه‌بندی‌های منتشر شده از وضعیت کنترلی و تنظیمی کشورها، شاخص حکمرانی کنترلی و تنظیمی تعریف شده و رابطه آن با شاخص‌های توسعه مالی، با تأکید بر شاخص‌های بخش بانکی بررسی شود.

1. Asli Demirgüç-Kunt and Enrica Detragiache (1998)

2. Good Contract Enforcement

3. Good Regulatory Governance

۲. پیشینه تحقیق

اجرای سیاست آزادسای بازارهای مالی با تأکید بر آزادسازی نرخ بهره و مقررات‌زدایی از سیستم بانکی، با طرح مباحث مک کینون و شاو (۱۹۷۳) مورد توجه کشورها قرار گرفت. اما وقوع بحران‌های پولی و بانکی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و همچنین عملکرد ضعیف اقتصاد جهانی در طول این سال‌ها موجب شد که اجرای بدون قید و شرط سیاست‌های آزادسازی مالی مورد پرسش قرار گیرد و شرایط محیطی و نهادی کشورها برای اجرای سیاست‌های آزادسازی مالی بررسی شود. تأثیر نهادهای قانونی مانند کنترل فساد، حاکمیت قانون و نظم عمومی و الزامات اجرای خوب قراردادها بر افزایش احتمال وقوع بحران‌های بانکی، اولین بار توسط مطالعه اصلی دمیرگچ-کانت و انریکا دترایگاش (۱۹۹۸) مطرح شد. در این مطالعه نقش نهادهای قانونی در کاهش احتمال وقوع بحران‌های بانکی پس از آزادسازی مالی بررسی و چنین نتیجه‌گیری شد که احتمال وقوع بحران‌های بانکی در کشورهایی که دارای نهادهای قانونی ضعیفی هستند بالاتر است.

کافمن و کارمیچل^۱ تأثیر مهم و معنادار حکمرانی عمومی خوب را بر توسعه بخش مالی اثبات نموده‌اند. آنها با استفاده از گزارش رقابت جهانی^۲ و گزارش «بررسی شرایط کسب و کار جهانی»^۳ که به وسیله بانک جهانی تهیه شده و بر روی بیش از ۶۰۰۰ بنگاه در ۸۰ کشور صورت گرفته است، سه شاخص که مبین رتبه‌بندی بنگاه‌ها از نظر «کیفیت بازار مالی»^۴، «سلامت سیستم بانکی»^۵ و «کیفیت کنترلی و تنظیمی مالی»^۶ است را ساخته و رابطه آنها را به عنوان شاخص‌های توسعه مالی (به صورت متغیرهای وابسته) با شاخص‌های حکمرانی عمومی بررسی نموده و ارتباط مثبت میان شاخص کنترل فساد با سه شاخص یادشده یعنی شاخص‌های کیفیت بازار مالی، سلامت بانک‌ها و کیفیت مقررات کنترلی و تنظیمی را اثبات نموده‌اند. در مطالعه آنان معناداری دیگر شاخص‌های حکمرانی عمومی یعنی کیفیت تنظیمی و کنترل کلی، حاکمیت قانون و حق اظهارنظر و پاسخگویی بر روی کیفیت مقررات کنترلی و تنظیمی مالی به اثبات نرسیده است. در این بررسی‌ها، شاخص کیفیت بازار مالی، درجه پیشرفته و مجهز بودن بازار مالی را نشان می‌دهد. مقدار این شاخص در صورتی که سطح توسعه بازار مالی پایین باشد، عدد ۱ و در شرایطی که

1. Carmichael, Jeffrey and Daniel Kaufmann (2002)

2. Global Competitiveness Report

3. World Business Environment Survey

4. Quality of Financial Market

5. Soundness of Banks

6. Financial Regulatory Quality

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۵۹

بالتر از استاندارد بین‌المللی باشد، عدد ۷ را به خود اختصاص می‌دهد. مقدار شاخص سلامت سیستم بانکی در صورتی که بانک‌ها در کشور توان پرداخت دیون را نداشته باشند عدد ۱ و در صورتی که اعتبار داشته باشند، مقدار ۷ خواهد بود. شاخص کیفیت کنترلی و تنظیمی بخش مالی هنگامی که وضعیت کنترلی و تنظیمی نهادها و سازمان‌های مالی کشور، نامناسب و ناکافی باشد، مقدار ۱ و در صورتی که مناسب و شدید باشد مقدار ۷ را به خود اختصاص می‌دهد.

چین و ایتوو (۲۰۰۲ و ۲۰۰۵) نشان دادند که شاخص‌های کنترل فساد^۱، حاکمیت قانون و نظم عمومی^۲ و کیفیت روال‌های اداری (بروکراسی)^۳ تأثیر مثبت و معناداری را بر توسعه شاخص‌های بازار سهام دارند.

آزادسازی مالی و نقش آن در توسعه مالی با توجه به وضعیت نهادهای قانونی توسط کمیجانی، عبادی و پوررستمی (۱۳۸۷) بررسی شده است. آنها نشان داده‌اند که آزادسازی مالی، زمانی به توسعه مالی منجر می‌شود که وضعیت حکمرانی عمومی یعنی شاخص‌های کنترل فساد، حاکمیت قانون و نظم عمومی، کیفیت روال‌های اداری (بروکراسی)، افزایش ثبات دولت^۴ و کاهش تنش‌های مذهبی^۵ از یک حد آستانه‌ای حداقل بالاتر باشد. در مدل آنان تأثیر مثبت و معنادار شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه مالی بخش بانکی اثبات شده است.

ادایبیر. داس، مارک کوینتین و کینا چنارد (۲۰۰۴) تأثیر حکمرانی کنترلی و تنظیمی را در ایجاد ثبات در سیستم مالی بررسی کرده‌اند. آنها نشان داده‌اند که شاخص حکمرانی کنترلی، تأثیر معنادار و مثبتی بر افزایش سلامت سیستم مالی دارد.

دنا تو ماسیاندرو، مارک کوینتین و مایکل تیلور (۲۰۰۸) دو شاخص استقلال و پاسخگویی را با استفاده از داده‌های گزارش ارزیابی «اصول محوری بازل برای نظارت بانکی مؤثر^۶» و «دستورالعمل‌های صندوق بین‌المللی پول در مورد شفافیت سیاست‌های پولی و مالی^۷» ساخته و نشان دادند که کیفیت حکمرانی عمومی نقش مؤثری را در پایه‌گذاری و تأسیس ترتیبات پاسخگویی^۸ نسبت به ترتیبات استقلال^۹ دارد.

1. Corruption
2. Law and Order
3. Bureaucracy Quality
4. Government Stability
5. Religion Tensions
6. Basel Core Principles for Effective Banking Supervision
7. IMF Code on Transparency of Monetary and Financial Policies
8. Accountability Arrangement
9. Independence Arrangement

اصلی دمیرگیچ - کانت، انریکا دتراگیچ و تری ترسل (۲۰۰۸) و اصلی دمیرگیچ - کانت و انریکا دتراگیچ (۲۰۰۹) در دو مقاله جداگانه به بررسی اهمیت و نقش اصول محوری بازل در سلامت بانکی پرداخته و نشان داده‌اند که بانک‌هایی که رتبه‌های بالاتری را در قالب اصول بازل کسب می‌کنند در کشورهایی هستند که آن بخش از اصول بازل را که مرتبط با تأمین اطلاعات است بهتر رعایت می‌کنند.

در مقابل، رانجیت لال^۱ نیز با تأکید بر اهمیت زمان‌بندی و ترتیب در تعیین نتایج قاعده‌گذاری^۲ قاعده‌گذاری^۲ در مالیه بین‌الملل، چارچوبی را معرفی کرده که براساس آن اثبات نموده است که نه تنها اصول محوری بازل با شکست مواجه شده بلکه علت اساسی بحران مالی اخیر، اصول و مقررات بازل، به ویژه اصول بازل ۲ بوده است.

۳. ادبیات نظری مربوط به نقش حکمرانی تنظیمی و کنترلی در توسعه مالی

۳-۱. حکمرانی عمومی

از آنجا که در تعریف مفاهیم حکمرانی عمومی و حکمرانی تنظیمی و کنترلی در بازارهای مالی، از واژه‌های نهاد و ثبات مالی استفاده می‌شود، پس نخست این مفاهیم تعریف شده و سپس مفهوم حکمرانی عمومی و اجزای آن معرفی می‌گردد.

تعاریف مختلفی از نهاد ارائه شده است. لین و ناجنت (۱۹۹۵)، نهاد را مجموعه‌ای از قواعد رفتاری تدوین شده توسط بشر و حاکم بر کنش‌های متقابل بشری می‌دانند. با این تعییر، نهادها مجموعه قواعدی هستند که حول یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند. ترتیبات نهادی، قواعدی رفتاری هستند که در حوزه معینی بر رفتار افراد حاکم هستند. ساختار نهادی، کلیات ترتیبات نهادی در یک اقتصاد یعنی سازمان‌ها، قوانین، سنن و ایدئولوژی را شامل می‌شوند.^۳

ثبات مالی، به معنی آن است که سیستم مالی به اندازه‌ای قدرتمند است که در شرایط شوک اقتصادی، توانایی واسطه‌گری مالی و انجام پرداخت‌ها و توزیع مجدد ریسک را داشته باشد. تجربه کشورها حاکی از آن است ریشه بی‌ثباتی مالی، در رشد شدید بدهی‌ها و افزایش قیمت دارایی‌ها قرار دارد. بانک‌ها نقش مهمی را در افزایش اعتبار و واسطه‌گری پرداخت‌ها و در نتیجه در ایجاد

1. R. Lall (2009)

2. Rule-making

۳. متوسلی (۱۳۸۲)، ص. ۱۳۹

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۶۱

ثبات مالی دارند.^۱ با توجه به این تعریف، ساختار نهاد مالی شامل سازمان‌هایی مانند بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و تخصصی، مؤسسات اعتباری غیربانکی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأمین مالی، شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های کارگزاری بورس و اوراق بهادار و ... هستند که در چارچوب قوانین رسمی و غیررسمی حاکم بر بازار مانند قوانین و مقررات پولی و بانکی، قوانین مربوط به بازار سرمایه، قوانین نظارتی، روابط غیررسمی حاکم بر سازمان‌ها و ... فعالیت می‌کنند. «حکمرانی عمومی» عبارت از سنت‌ها و نهادهایی است که نحوه فعالیت حکومت را در کشور تعیین می‌کند. این سنت‌ها و نهادها شامل موارد زیر است:

۱. فرایندی است که طی آن دولت، انتخاب می‌شود، پاسخگو می‌ماند، نظارت و جایگزین می‌شود.
۲. ظرفیت دولت‌ها در مدیریت کارآمد منابع، تدوین، طراحی و اجرای سیاست‌ها و مقررات نظارتی و تنظیمی سالم و درست است.
۳. میزان اهمیت و احترام شهروندان و کشور، برای نهادهایی است که داد و ستدهای اقتصادی و اجتماعی بین آنها را اداره می‌کند.^۲

طبق تعریف یادشده، اجزاء و عناصر زیر برای اندازه‌گیری حکمرانی عمومی معرفی شده است:

- حق اظهارنظر و پاسخگویی^۳
- ثبات سیاسی و نبود خشونت^۴
- اثربخشی دولت^۵
- عدم بار (مالی) مقرراتی^۶
- حاکمیت قانون و نظم عمومی^۷
- کنترل فساد^۸

۱. مارتین سیچاک (۲۰۰۶)، ص. ۹.

۲. کافمن، کری و زویدو-لوباتن (۲۰۰۲)، ص. ۱۰.

3. Voice and External Accountability
4. Political Stability and Lack of Violence
5. Government Effectiveness
6. Lack of Regulatory Burden
7. Rule of Law
8. Control of Corruption

کافمن، کری و زویدولوباتن^۱ با بهره‌گیری از تعریف گفته شده، شاخص‌های متعددی را به عنوان متغیرهای جایگزین جنبه‌های گوناگون حکمرانی تحلیل کرده‌اند. مقدار عددی این شاخص‌ها از طریق سازمان‌های مختلف، از جمله نهادهای تجاری درجه‌بندی ریسک، سازمان‌های چند منظوره، مؤسسات پژوهشی و سازمان‌های غیردولتی دیگر به دست می‌آیند. این شاخص‌ها برای ۲۲۱ کشور و در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ گردآوری شده است. با استفاده از این شاخص‌ها، می‌توان تأثیر حکمرانی عمومی را بر متغیرهای مختلف اقتصادی بررسی کرد.

مفهوم حکمرانی خوب و تأثیرگذاری قابل توجه شاخص‌های آن بر توسعه مالی، بیانگر لزوم توجه به محیط نهادی در برنامه‌ریزی توسعه مالی است. مطالعات موجود، محدود نمودن برنامه توسعه مالی را تنها به آزادسازی نرخ بهره زیر سؤال برده و لزوم توجه به محیط نهادی مناسب را در مفهوم توسعه مالی اثبات می‌کند.

۲-۳. حکمرانی تنظیمی و کنترلی

ادایر. داس و مارک کویتین (۲۰۰۲) با استفاده از تعریف حکمرانی عمومی و پالایش آن، حکمرانی کنترلی و تنظیمی را به صورت زیر تعریف نموده‌اند.

- توانایی مدیریت کارآمد منابع و تدوین، اجرا و اعمال سیاست‌ها و مقررات سالم (که به عنوان وظیفه (حکومت) در انجام اهداف و وظایف محوله باشد).
- رعایت بهتر حقوق شهروندان و دولت، توسط نهادهایی که داد و ستدهای اقتصادی و اجتماعی میان آنها را اداره می‌کنند که این به مفهوم ایمن نگهداشتن این نهادهای تنظیمی در مقابل سلطه صنعت و مداخلات سیاسی است.
- رعایت حقوق نهادهای تنظیمی، بخاطر اهداف وسیع‌تر قانونگذار منتخب مردم که این عنصر مهم برگرفته از نظریه «رئیس - مرئوس»^۲ است.

با توجه به این تعریف، حکمرانی کنترلی و تنظیمی به اجزای زیر تقسیم می‌شود:

۱. استقلال^۳

۲. پاسخگویی^۴

1. Kaufmann, Kraay and Zoido-Lobaton (2002)

2. Principal-agent Theory

3. Independence

4. Accountability

۳. شفافیت^۱

۴. اجماع و یکپارچگی^۲

استقلال به معنی مستقل بودن نهادهای تنظیمی از شرایط و مداخلات سیاسی از یک سو و حفظ این نهادها در مقابل سلطه صنعت از سوی دیگر است. این استقلال با توجه به اینکه این دو گروه (سیاستمداران و صاحبان صنایع) تحت تأثیر مسائل کوتاه‌مدت قرار می‌گیرند، تأثیر بسزایی در ثبات مالی دارد.^۳ البته نکته حائز اهمیت در تعیین میزان استقلال نهادهای کنترلی و تنظیمی، توجه به اصل رئیس و مرئوس است. یعنی از آنجا که اطلاعات میان نهادها و سازمان‌های نظارتی از یک سو و حکومت از سوی دیگر، به صورت نامتقارن توزیع شده است؛ به گونه‌ای که نهادهای مالی، به دلیل تخصص و ارتباط شغلی خود نسبت به دولت، اطلاعات دقیق‌تری در مورد وضعیت بازارهای مالی دارند، پس مدل همکاری این دو باید براساس «مدل گفتگو» باشد. یعنی نهادهای نظارتی لازم است به اهداف وسیع‌تر قانونگذار منتخب مردم، احترام بگذارند. برای این کار باید آنان (نهادهای نظارتی) با واقعیت‌های سیاسی کشور ارتباط داشته باشند. استقلال، زمانی مشکل ایجاد می‌کند که تابع هدف دولت (حکومت) و نهادهای تنظیمی و نظارتی متفاوت باشد. در این شرایط، برای جلوگیری از اینکه نهادهای مستقل خارج از کانال‌های طبیعی کنترل و سیاسی فعالیت کنند، لازم است این نهادها خود پاسخگو باشند. پاسخگویی نهادهای کنترلی به تمام اجزاء و نهادهای حکومت ضروری است.^۴

پاسخگویی و حسابدهی به معنی ارائه گزارش‌های منظم توسط نهادهای تنظیمی است. این کار مستلزم وجود ترکیبی از ابزارهای کنترلی، بینش اجرایی و قانونگذاری، دستورالعمل‌های دقیق اجرایی، مشارکت عمومی و از همه مهم‌تر مستندات قضایی کامل است. وجود اهداف مشخص و تعریف شده نیز دارای اهمیت است. با توجه به این توضیحات، استقلال و پاسخگویی دو عامل مکمل هم هستند، یعنی نهادهای کنترلی و تنظیمی مستقل هستند اما موظف به پاسخگویی در مقابل حکومت هستند که این التزام نهادها به پاسخگویی، آنها را کنترل می‌کند.

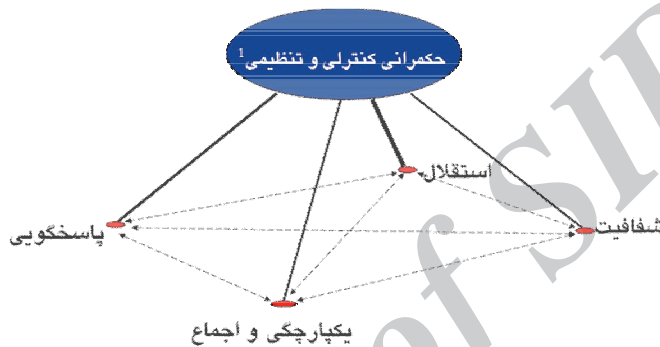
شفافیت در سیاست‌های مالی و پولی به معنی وجود شرایط و محیطی است که در آن اهداف، چارچوب‌ها، تصمیم‌ها، داده‌ها و اطلاعات و ... به‌طور منظم و جامع در دسترس عموم مردم است.

1. Transparency
2. Integrity

۳. اداییبرداس، مارک کوپنتین (۲۰۰۲)، ص. ۱۶۵

۴. کوپنتین، رامیرز و تیلور (۲۰۰۷)، ص. ۱۶

اجماع و یکپارچگی به معنی همسو نمودن کارکنان مؤسسات یا نهادهای کنترلی و تنظیمی با اهداف سازمانی به منظور درست اجرا کردن دستورالعمل‌ها، بدون کاهش استاندارد آنها به خاطر رفتار و سلیقه‌های فردی در اجرا است. در نمودار ۱ عوامل مؤثر مطرح شده بر شاخص حکمرانی کنترلی و تنظیمی و روابط آنها به تصویر کشیده شده است.^۱



نمودار ۱. اجزای حکمرانی کنترلی و تنظیمی و روابط متقابل میان آنها^۲

تاکنون بهترین دستورالعمل در خصوص قواعد نظارت و تنظیم در سیستم بانکی در قالب «اصول محوری بازل برای نظارت بانکی مؤثر» تهیه شده است.^۳ این اصول در سال ۱۹۹۷ توسط کمیته نظارت بانکی بازل متشکل از نمایندگان آژانس‌های نظارتی بانک‌ها در کشورهای پیشرفته منتشر شد. از آن زمان تاکنون بیشتر کشورها بر این اصول صحه گذاشته‌اند و پذیرفته‌اند که سیستم بانکی خود را با آن منطبق کنند. در واقع این اصول، تبدیل به استاندارد جهانی برای ناظران و تنظیم‌کنندگان مالی شده است. مهم‌تر اینکه از سال ۱۹۹۹ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، ارزشیابی بخش مالی را با عنوان برنامه «ارزشیابی ثبات و توسعه بخش مالی»^۴ براساس اصول یادشده آغاز نموده‌اند. این گزارش‌ها منبع اطلاعاتی منحصر به فردی را در مورد کیفیت نظارت و تنظیم در بازارهای مالی ارائه می‌دهد. گفتنی است که اطلاعات ارزشیابی مندرج در این گزارش‌ها با توجه به توافق صندوق با کشورها محرمانه است، مگر کشور مورد نظر خود تصمیم به انتشار آن

۱. کوینتین (۲۰۰۷)، ص. ۱۸.

2. Quintyn (2007)

۳. دمیرگچ - کانت و دتراگیچ (۲۰۰۸)

۴. Financial Sector Assessment Program برنامه جامعی برای ارزشیابی ثبات و توسعه بخش مالی کشورها است.

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۶۵

بنماید. به همین دلیل در این مقاله نیز به دلیل عدم امکان دسترسی به مقادیر ارزشیابی به شاخص‌های حکمرانی کنترلی و تنظیمی منتشر شده در مقاله داناتو ماسیاندارو، مارک کویتین و مایکل تیلور (۲۰۰۸) اکتفا شده است.

۳-۳. رابطه حکمرانی عمومی با حکمرانی تنظیمی و کنترلی

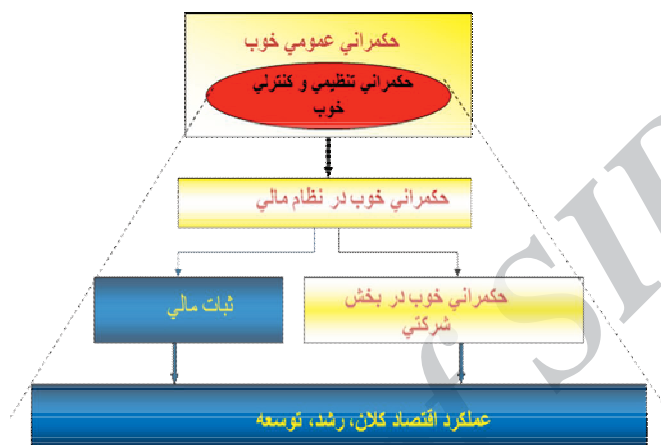
همان‌گونه که نمودار ۴ نشان می‌دهد، حکمرانی تنظیمی و کنترلی امور، متأثر از حکمرانی عمومی است.^۱ این بحث در مطالعه کافمن و کارمیچل (۲۰۰۲) نیز اثبات شده است. شواهد تجربی زیادی نیز این یافته را تأیید می‌کند که حکمرانی عمومی ضعیف، موجب افزایش هزینه‌های واسطه‌گری مالی بانک‌ها می‌شود. یعنی عدم ثبات سیاسی، عدم پاسخگویی نهادهای مالی به مردم و حکومت، کاهش درجه حاکمیت قانون و نظم عمومی و وجود فساد مالی، هر کدام موجب می‌شود تا فرایند اعطا و تسویه وام‌های بانکی با هزینه بیشتری صورت گیرد. برای نمونه در جامعه‌ای که فساد مالی گسترده‌تر است، بانک‌ها مجبور به اخذ وثیقه‌های سنگین‌تر شده و مجبور هستند که وکلای حقوقی قوی‌تری را برای انجام امور بانکی خود به کار گیرند. در این شرایط تعداد فسخ معاملات و عدم اجرای تعهدات طرف قرارداد بانک‌ها نیز افزایش می‌یابد که این خود موجب افزایش هزینه‌های واسطه‌گری مالی می‌شود. به این دلیل است که ضعف در نهادهای قانونی موجب افزایش احتمال وقوع بحران‌های بانکی می‌شود که این بحران‌ها افزون بر ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، هزینه‌های زیادی را به سیستم مالی کشورها تحمیل می‌کند.^۲ همچنین حکمرانی عمومی ضعیف، موجب غلبه و سلطه سیاسی شرکت‌ها، بنگاه‌های مالی و بانک‌هایی که به لحاظ سیاسی مرتبط هستند، می‌شود. یعنی در شرایط حکمرانی عمومی ضعیف، شاهد ظهور و قدرت گرفتن بنگاه‌ها و بانک‌هایی هستیم که نه به دلیل کارایی و ارائه طرح‌های بزرگ اقتصادی، بلکه به دلیل ارتباطات سیاسی مجوزهای لازم را دریافت می‌کنند. نشانه دیگر حکمرانی عمومی ضعیف، مداخله در فرایند نظارت است. این امر موجب اغماض و در نتیجه ضعف در اجرای مقررات می‌شود.

به این ترتیب وقتی حکمرانی عمومی، ضعیف باشد، حکمرانی تنظیمی و کنترلی نیز ضعیف شده و از این مجرا، حکمرانی در بخش مالی نیز تضعیف می‌گردد. بدیهی است ضعف در سیستم

۱. کویتین (۲۰۰۷)، ص. ۱۲.

۲. اصلی دمیگرچ - کانت و انریکا دترآگیاش (۱۹۹۸)

وام‌دهی موجب تضعیف مدیریت ریسک و در نتیجه عدم کارایی در تخصیص بهینه سرمایه و کاهش رشد اقتصادی می‌شود.^۱



نمودار ۲. جایگاه و نقش حکمرانی کنترلی و تنظیمی خوب در رشد اقتصادی^۲

۳-۴. جایگاه نهادهای تنظیمی و کنترلی در نظام تصمیم‌گیری

همان‌گونه گفته شد، پایه‌های نظری و یافته‌های تجربی در خصوص حکمرانی تنظیمی در بازارهای مالی، برخلاف بحث لزوم استقلال بانک‌های مرکزی، هنوز در مراحل ابتدایی آن است. در سال‌های اخیر، در برخی مطالعات، نشان داده شده است که مسئولیت نظارت مالی باید بر عهده آژانس‌های مستقل تخصصی باشد. چارچوب رسمی برای آزمون استقلال آژانس‌ها و یا نهادهای نظارتی توسط آلسینا و تابلینی^۳ در مورد تقسیم وظایف میان سیاستمداران و دیوانسالاران و یا کارکنان اداری^۴ ارائه شد. آنها نشان داده‌اند که از نظر اجتماعی، بهینه آن است که اجازه دهیم که وظایفی با مشخصات زیر را کارکنان اداری به جای سیاستمداران عهده‌دار شوند. این مشخصات عبارتند از:

۱. وظایفی که نسبت به تلاش^۵ نیاز به توانایی فنی بالایی دارد.
۲. ترجیحات واقعی عموم روشن و شفاف است و نیاز به درجه بالایی از انعطاف ندارد.

۱. کوپتین (۲۰۰۷)، ص. ۱۲.

2. Quintyn (2007)
 3. Alesina and Tabellini (2004)
 4. Bureaucrats
 5. Effort

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۶۷

۳. ناسازگاری زمانی مسئله است. یعنی انگیزه‌ها و نتایج اجرای سیاست‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت است و گاهی در تضاد با هم قرار دارند.

۴. گروه‌های ذینفع قوی، از نتایج اجرای سیاست، سهم بالایی می‌برند. برای نمونه آنها ثابت کرده‌اند که اموری مانند تنظیم مقررات مربوط به امور رفاه عمومی، تدوین و اجرای سیاست‌های تجاری و مالی باید توسط سازمان‌های تخصصی و کارکنان اداری و نه توسط سیاستمداران صورت گیرد.

استدلال آنان وجود ثبات در این بخش‌ها و امکان پیش‌بینی نتیجه اجرای سیاست‌ها در این بخش‌هاست. ماسایندارو و دیگران نشان داده‌اند که تنظیم و نظارت مالی با شاخص‌های یادشده انطباق دارد. یعنی

۱. انجام وظایف نظارتی نیاز به سطوح بالای مهارت و تخصص دارد و کاری بسیار فنی است.

۲. ترجیحات عموم در این رابطه روشن است. زیرا هدف نظارت و کنترل بخش مالی، ایجاد ثبات مالی و کاهش هزینه‌های واسطه‌گری در این بخش است.

۳. ناسازگاری زمانی در بخش مالی مسئله است. یعنی اهداف و انگیزه‌های اجرای سیاست در بخش مالی و بانکی و آثار آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت و گاهی در تضاد با هم هستند.

۴. صنعت مالی و بانکداری معمولاً گروه کوچکی و یکدستی را تشکیل می‌دهد که به اندازه سپرده‌گذاران با مسئله اقدام جمعی^۱ (علیه سیاست‌مداران و برنامه ریزان این بخش) مواجه نیستند و بنابراین برای تجهیز مؤثر منابع توانمندتر هستند.

بر مبنای این ملاحظات نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که وظایف نظارتی به کارکنان اداری و آن دسته از مقامات رسمی دولتی^۲ داده شود که مستقیماً به رأی‌دهندگان پاسخگو نیستند.

1. Collective Action
2. Public Officials

۴. تبیین مدل برای بررسی تأثیر عوامل نهادی بر روی توسعه مالی

۴-۱. تبیین مدل و تعریف شاخص‌ها

مدل توسعه مالی، با توجه به تمرکز شاخص‌های توسعه مالی بر شاخص‌های بخش بانکی، با استفاده از مدل تعدیل جزئی، طراحی شده است. در واقع به نظر می‌رسد مدل تصمیم‌گیری بانک‌ها در تنظیم جریان وجوه نقد و سرمایه و در نتیجه اعطای تسهیلات و گردآوری سپرده‌ها، با استفاده از مدل تعدیل جزئی قابل تبیین است. براساس مدل تعدیل جزئی، تابع توسعه مالی بلندمدت و انتظاری عبارت است از:

$$FD_t^* = \beta_0 + \beta_1 X_{1t} + \beta_2 X_{2t} + \varepsilon_t$$

که در آن FD_t^* توسعه مالی بلندمدت و انتظاری و X_{1t} بردار شاخص‌های بخش مالی و X_{2t} بردار متغیرهای کنترل اقتصاد است. با حل کردن مدل تعدیل جزئی با فرض آنکه ضریب تعدیل $0 \leq \gamma \leq 1$ است به رابطه زیر می‌رسیم^۱:

$$FD_t - FD_{t-1} = \gamma\beta_0 + \gamma\beta_1 X_{1t} + \gamma\beta_2 X_{2t} - \gamma FD_{t-1} + \gamma\varepsilon_t \quad (1)$$

رابطه (۱) پس از بازنویسی به صورت رابطه (۲) می‌شود.

$$FD_t - FD_{t-1} = \Gamma_0 + \Gamma_1 X_{1t} + \Gamma_2 X_{2t} + \rho FD_{t-1} + U_t \quad (2)$$

عوامل مؤثر بر توسعه مالی با استفاده از چارچوب نظری ویلیامسون، شناسایی و در مدل (۲) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.^۲ با توجه به این توضیحات، مدل زیر برای بررسی تأثیر عوامل نهادی بر روی توسعه مالی کشور t و در سال t برآورد و تجزیه و تحلیل می‌شود.

$$FD_{it} = \Gamma_0 + (1 + \rho)FD_{i(t-1)} + \delta_1 Ins_{it} + \delta_2 RGI_i + \Gamma_3 X_{it} + U_{it}$$

FD_{it} معیارهای توسعه مالی که برای هر کشور i و در دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ محاسبه شده است. براساس مطالعه کینگ و لوین (۱۹۹۳a) چهار شاخص شامل شاخص عمق مالی DEPTH، شاخص بانک BANK، شاخص Private1 و شاخص Private2 به عنوان شاخص‌های توسعه

۱. برای توضیحات بیشتر درخصوص مدل، به رساله دکتری پوررستمی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ مراجعه فرمایید.

۲. کمیجانی و پوررستمی (۱۳۸۷)

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۶۹

مالی در بخش بانکی معرفی و محاسبه شده است. شاخص عمق مالی، معادل نسبت نقدینگی به GDP است. این شاخص از نسبت $\frac{M_2}{GDP}$ به دست آمده است. شاخص بانک، نسبت اعتبارات داخلی بانک‌های تجاری در کشور به کل اعتبارات سیستم بانکی در آن کشور است. شاخص Private1 برابر با نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی، به کل اعتبارات داخلی است و شاخص Private2 معادل نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی به GDP است. برای محاسبه این شاخص‌ها از بانک اطلاعاتی شاخص‌های توسعه جهانی^۱ و بانک اطلاعاتی آمارهای مالی بین‌المللی^۲ استفاده شده است. X_{ij} برداری از متغیرهای کنترلی اقتصاد است. لگاریتم درآمد سرانه یکی از متغیرهای کنترلی اقتصاد است که شاخص عمق مالی با افزایش درآمد افزایش می‌یابد. دیگر متغیر کنترلی، نرخ تورم است. تورم بالا ممکن است موجب انحراف در مکانیسم تصمیم‌گیری شود. به ویژه اینکه بی‌ثباتی در تورم، خود موجب افزایش نرخ تورم می‌شود. همچنین، تورم بالا، موجب تضعیف واسطه‌گری مالی شده و انگیزه پس‌انداز را کاهش می‌دهد. مقدار این شاخص با استفاده از شاخص ضمنی قیمت محاسبه شده است. درجه باز بودن اقتصاد، به عنوان یک متغیر کنترلی خاص^۳ وارد مدل شده است. مطالعات تجربی زیادی همبستگی میان این شاخص و متغیرهای اقتصادی را تأیید می‌کند.^۴ این شاخص از تقسیم مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. مقدار این شاخص‌ها با استفاده از بانک اطلاعاتی شاخص‌های توسعه جهانی برای کشورهای مورد مطالعه در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰ محاسبه شده است. Ins_{ij} شاخصی نهادی است و بیانگر وضعیت حکمرانی عمومی است. در این مقاله، نقش نهادهای عمومی در توسعه مالی، توسط این شاخص نشان داده شده است. RGI_j شاخص نهادی کنترلی و تنظیمی است. تأثیر این شاخص به سه صورت ۱- شاخص استقلال ۲- شاخص پاسخگویی و ۳- شاخص کلی نهادهای تنظیمی در مدل بررسی شده است. به دلیل اهمیت شاخص‌های گفته شده در ادامه، تعریف کامل این شاخص‌ها ارائه شده است.

1. World Development Indicators (2007)
2. International Financial Statistics
3. Ad hoc

۴. چین و ایتوو (۲۰۰۵)، ص. ۴.

۲-۴. معیارهای توسعه نهادی

همانگونه که در بخش‌های پیشین گفته شد، از سه معیار کنترل فساد، حاکمیت قانون و نظم عمومی و کیفیت روال‌های اداری (بروکراسی) در مطالعه چین و ایتو (۲۰۰۷)، داس و کوینین (۲۰۰۴) و کمیجانی و عبادی و پوررستمی (۱۳۸۷) برای تبیین وضعیت نهادی عمومی کشورها استفاده شده است. این شاخص‌ها به دو روش ترکیبی و مجزا وارد مدل شده است. در روش اول، شاخص ترکیبی، اولین جزء اصلی سه معیار گفته شده است و با روش تجزیه به عامل‌های اصلی^۱ محاسبه می‌شود. در روش دوم، تأثیر شاخص‌های نهادی به صورت مجزا بررسی می‌شود. در این مطالعه اثر شاخص ترکیبی بر روی شاخص‌های بخش بانکی و همچنین تأثیر مجزای شاخص‌های نهادی عمومی، مطالعه شده که به دلیل تشابه نتایج برآورد مدل و با توجه به گستردگی استفاده از معیار حاکمیت قانون و نظم عمومی، به عنوان شاخص توسعه نهادی در بیشتر مطالعات، فقط نتایج برآورد این شاخص اخیر گزارش شده است. در ضمن برای محاسبه معیارهای یاد شده از داده‌های بانک اطلاعاتی شاخص‌های بین‌المللی ریسک کشورها^۲ و بانک اطلاعاتی کافمن، کری و زویدولوباتن^۳ استفاده شده است.

۳-۴. شاخص‌هایی برای تبیین وضعیت حکمرانی تنظیمی و کنترلی

با توجه به توضیحات ارائه شده در بخش ادبیات موضوع، محاسبه شاخص حکمرانی تنظیمی و کنترلی، باید براساس چهار معیار استقلال، پاسخگویی، شفافیت و یکپارچگی، تعریف و محاسبه شود. با توجه به مطالعاتی که در این حوزه صورت گرفته و به تفصیل در بخش ادبیات موضوع به آن اشاره شد، مفهوم حکمرانی کنترلی و تنظیمی در بخش مالی، برای اولین بار توسط ادایر داس و مارک کوینتین (۲۰۰۲) مطرح شد. داس، کوینتین و کینا چنارد^۴ شاخص کنترلی و تنظیمی (RGI^۵) را با استفاده از اطلاعات برنامه ارزیابی بخش مالی^۶ ساختند.

دوناتو ماسیاندارو، مارک کوینتین و مایکل تیلور (۲۰۰۸) با استفاده از اطلاعات «اصول بازل برای نظارت بانکداری کارآمد» و «کدهای IMF برای شفافیت سیاست‌های پولی و مالی» که

1. Principle Component Analysis
2. International Country Risk Guide
3. www.govindicators.org
4. Udaibir S. Das, Qunityn, Marc and Kina Chenard (2004)
5. Regulatory Governance Indicator
6. Financial System Assessment Program

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۷۱

تحت عنوان گزارش‌های ارزیابی ثبات بخش مالی صندوق بین‌المللی پول^۱ منتشر شده است ۵۳ کشور را به شرح پیوست ۱ در دو حوزه استقلال و پاسخگویی نهادهای تنظیمی رتبه‌بندی کرده‌اند. آنها همچنین درجه استقلال بانک‌های مرکزی کشورهای گفته شده را رتبه‌بندی نموده‌اند. در این پژوهش با استفاده از داده‌های مطالعه یادشده^۲ تنها شاخص‌های استقلال و پاسخگویی برای ۵۳ کشور استخراج و در مدل نهایی مورد استفاده قرار گرفته است. تمرکز بر روی دو معیار اخیر به دلیل آن است که درجه استقلال و پاسخگویی در هر نهاد نظارتی، نتیجه فرآیند روش تصمیم‌گیری است؛ در حالی که دو معیار دیگر یعنی عوامل شفافیت و یکپارچگی اساساً توسط خود مؤسسه نظارتی پایه‌گذاری می‌شود. در نتیجه کیفیت و اثربخشی آنها در گام اول به کیفیت ترتیبات استقلال و پاسخگویی بستگی دارد.^۳

۵. مدل‌های برآورد شده

مدل (۱): بررسی تأثیر شاخص حکمرانی عمومی امور بر روی توسعه مالی

مدل زیر با استفاده از اطلاعات ۵۳ کشور به شرح پیوست ۱ و در دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ برآورد شده است. این مدل به دلیل ویژگی بازارهای مالی منطبق با مدل تعدیل جزئی است و با روش GMM تخمین زده می‌شود.^۴

$$\begin{aligned} \text{financial development}_{it} = & \alpha_1 (\text{financial development})_{i(t-1)} \\ & + \alpha_2 (\text{inflation})_{it} + \alpha_3 (\log \text{GNI})_{it} \\ & + \alpha_4 (\text{trade openness})_{it} \\ & + \alpha_5 (\text{public good governance})_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

همانگونه که در ادبیات موضوع به تفصیل گفته شد، انتظار می‌رود با بهبود وضعیت حکمرانی عمومی، توسعه مالی کشورها ارتقا یابد. همچنین پیش‌بینی می‌شود با افزایش درآمد سرانه، شاخص‌های توسعه مالی افزایش یابد. بنابراین ضرایب این متغیرها یعنی α_2 و α_4 باید مثبت باشند. افزایش نرخ تورم به دلیل ایجاد تورش در قیمت دارایی‌های مالی تأثیر منفی بر شاخص‌های

1. IMF's Financial Sector Stability Assessment (FSSA)

۲. منظور داناتو ماسیاندارو، مارک کویتین و مایکل تیلور (۲۰۰۸) است.

۳. ماسیاندارو و دیگران (۲۰۰۸)، ص. ۸۳۴.

۴. برای توضیحات بیشتر در مورد روش برآورد GMM به مقاله کمیجانی، عبادی و پوررستمی (۱۳۸۷) مراجعه کنید.

توسعه مالی دارد. به این ترتیب انتظار می‌رود ضریب این شاخص یعنی α_1 منفی شود. شاخص درجه باز بودن اقتصاد یک متغیر خاص است و نحوه اثرگذاری آن بر روی توسعه مالی، بستگی به سیاست‌های دولت در بازار ارز و ... دارد. به همین دلیل علامت ضریب این شاخص یعنی α_3 قابل پیش‌بینی نیست.

مدل (۲): بررسی تأثیر شاخص حکمرانی کنترلی و تنظیمی بر روی توسعه مالی

به دلیل آنکه اطلاعات رتبه‌بندی درجه استقلال و پاسخگویی نهادهای نظارتی کشورها فقط برای یک دوره وجود دارد، پس شاخص‌های یادشده به صورت میانگین داده‌ها در دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۰ محاسبه و در مدل نهایی به صورت رابطه (۲) محاسبه شده است. طبیعت شاخص‌های نهادی و ثبات نسبی آنها در میان‌مدت، استفاده از میانگین ۸ ساله شاخص‌های توسعه مالی را توجیه‌پذیر می‌نماید.

$$\begin{aligned} \text{financial development}_i = & \alpha_0 + \alpha_1 (\text{inflation})_i + \alpha_2 (\log \text{GNI})_i \\ & + \alpha_3 (\text{trade openness})_i \\ & + \alpha_4 (\text{public good governance})_i \\ & + \alpha_5 (\text{RGI})_i + \varepsilon_i \end{aligned} \quad (2)$$

انتظار می‌رود علامت α_5 با توجه به توضیحات ارائه شده در ادبیات موضوع مثبت باشد؛ یعنی پیش‌بینی می‌شود با بهبود وضعیت استقلال و پاسخگویی و بالاتر رفتن مقدار شاخص حکمرانی کنترلی و تنظیمی با شاخص‌های توسعه مالی ارتقاء یابند. در واقع طبق اصول بازل، انتظار می‌رود کشورهایی که دارای نظام مالی قوی‌تری بر مبنای اصول گفته شده هستند اقدام به توسعه بیشتر اعتبارات در بخش بانکی کنند.

۵-۱. نتایج برآورد مدل

نتایج برآورد مدل (۱) در جدول ۱ آمده است. مدل برای چهار شاخص توسعه مالی در پنج رگرسیون به ترتیب شاخص بانک، شاخص عمق مالی، لگاریتم شاخص عمق مالی، شاخص نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی، به کل اعتبارات داخلی *privatel* و شاخص نسبت

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۷۳

مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی به GDP یعنی private2 به روش GMM برآورد شده است.^۱

همانگونه که مقدار آماره J نشان می‌دهد پنج رگرسیون ارائه شده در جدول ۱، معنادار هستند. تأثیرگذاری منفی و معنادار نرخ تورم، در رگرسیون‌های اول، سوم و چهارم، تأثیرگذاری مثبت و معنادار لگاریتم درآمد سرانه در رگرسیون پنجم و همچنین تأثیر مثبت و معنادار درجه بازبودن اقتصاد در آزمون‌های اول تا چهار تأیید می‌شود. نتیجه حائز اهمیت، تأثیرگذاری مثبت و معنادار شاخص حاکمیت قانون و نظم عمومی بر روی شاخص‌های توسعه مالی در بخش بانکی در چهار آزمون از پنج آزمون گفته شده است. گفتنی است که شاخص ترکیبی حکمرانی عمومی امور نیز مثبت و معنادار بود که برای اختصار، نتیجه گزارش نشده است. به این ترتیب نتیجه کلی و جمع‌بندی آزمون‌های گفته شده، تأثیر مثبت و معنادار شاخص‌های حکمرانی عمومی بر روی توسعه بخش بانکی است.

تأثیر شاخص حکمرانی کنترلی و تنظیمی بر روی شاخص‌های توسعه مالی در قالب مدل (۲) ارائه شد. مدل (۲) برای چهار شاخص توسعه بانکی، به عنوان متغیرهای مستقل، به صورت جداگانه برآورد شده که به دلیل معنادار نبودن آزمون مربوط به شاخص بانک، نتیجه برآورد آن گزارش نشده است. نتایج برآوردها برای شاخص‌های private2 یعنی نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی به GDP، private1 یعنی نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی به کل اعتبارات داخلی و شاخص لگاریتم عمق مالی به ترتیب در جدول‌های ۲ تا ۴ آمده است. در هر جدول نتایج برآورد ۵ رگرسیون ارائه شده است. در رگرسیون اول تأثیر متغیر حاکمیت قانون و نظم عمومی بر روی شاخص توسعه مالی بررسی شده است.

۱. آزمون تصریح در روش GMM، آزمون پذیرش شرایط گشتاوری است، زمانی که این تعداد بیش از تعداد پارامترهاست. این آزمون ابتدا توسط هنسن (۱۹۸۲) معرفی شد و سپس توسط نیووی و وست (۱۹۸۷) توسعه یافت. در واقع زمانی که شرایط گشتاوری (ابزارها) بیش‌تر از تعداد پارامترهای مدل باشد، بدان معناست که پارامترها به وسیله تعداد کمتری از شرایط گشتاوری قابل برآورد هستند. به این ترتیب می‌توان با استفاده از این واقعیت، جمله خطای مدل را به وسیله مجموعه‌های مختلف شرایط گشتاوری، پس از حذف یک متغیر ابزاری در هر بار، محاسبه کرد. حال اگر جملات خطای محاسبه شده با شرط یا شرایط گشتاوری حذف شده، همبسته نباشند، در آن صورت می‌توان بالا بودن شرایط گشتاوری را رد نکرد که این نتیجه به معنی صحت مدل است. فرضیه صفر در آزمون هنسن، پذیرش بیش از حد شدن تعداد قیدهاست و این بدان معناست که متغیرهای ابزاری با جملات اخلال همبسته نیستند. تابع آزمون هنسن دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی تعداد شرایط گشتاوری، منهای تعداد پارامترهای برآوردی است. این آزمون، J-statistic نام دارد و اگر مقدار احتمال بالای ۱۰ درصد باشد، فرضیه صفر رد نشده و آزمون معنادار است.

۷۴ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال شانزدهم شماره ۴۸

جدول ۱. بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری شاخص حکمرانی عمومی بر شاخص‌های توسعه مالی

شاخص‌های توسعه مالی (متغیرهای وابسته)	رگرسیون (۱) شاخص بانک	رگرسیون (۲) شاخص عمق مالی	رگرسیون (۳) لگاریتم عمق مالی	رگرسیون (۴) شاخص private1	رگرسیون (۵) شاخص private2	متغیرهای توضیحی
متغیر وابسته با یک وقفه یک ساله	۰/۲۷ (۲۰/۳۸)	۰/۳۷ (۱۳/۹۵)	۰/۵۰ (۱۴/۹۹)	۰/۶۴ (۲۶/۵)	۰/۵۰ (۲۴/۵۸)	
نرخ تورم	۰/۰۰۰۷ (۳/۵۷)	-۰/۰۰۰۲۳ (-۰/۵۰)	-۰/۰۰۰۱۳ (-۸/۷۶)	-۰/۰۰۰۴۸ (-۹/۴۷)	-۰/۰۰۰۲۸ (-۰/۲۲)	
درآمد سرانه (لگاریتم)	-۰/۰۴۲ (-۲/۲۵)	۰/۰۹۲ (۸/۶۶)	۰/۱۷ (۸/۶۷)	۰/۱۶ (۱۳/۲)	۰/۲۴ (۲۱/۵۴)	
حاکمیت قانون و نظم عمومی	۰/۰۹۹ (۶/۳۱)	-۰/۰۲۲ (-۴/۲۴)	-۰/۰۱۴ (-۱/۳۶)	۰/۰۱۹ (۱/۹۹)	۰/۰۳۰ (۲/۵۹)	
درجه باز بودن اقتصاد	۰/۲۵ (۵/۹۶)	۰/۰۶۰ (۶/۴۹)	۰/۰۹۴ (۶/۱۳)	۰/۱۹ (۱۵/۹۹)	۰/۰۹۳ (۰/۵۱)	
مقدار آماره j-statistic	۳۱/۰۴	۲۷/۵	۳۲/۷۶	۲۹/۸۷	۲۶/۴	
تعداد نمونه	۲۹۳	۲۴۲	۲۴۲	۱۹۷	۲۱۳	

- اعداد ردیف اول در هر قسمت، مقدار ضرایب متغیرهای مدل، ردیف دوم داخل پرانتز مقدار آماره t و ردیف سوم احتمال پذیرش فرض صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در رگرسیون‌های بعدی متغیر حکمرانی کنترلی و تنظیمی به اشکال گوناگون وارد مدل شده و تأثیر آن بر روی شاخص‌های توسعه مالی مطالعه شده است. یعنی در رگرسیون ۲ شاخص استقلال نهادهای تنظیمی و کنترلی وارد مدل شده و تأثیر آن بر روی شاخص‌های توسعه بخش بانکی مورد مطالعه قرار گرفته است.

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۷۵

جدول ۲. بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی کنترلی و تنظیمی بر شاخص توسعه مالی (شاخص private2)

شاخص private2	رگرسیون (۱)	رگرسیون (۲)	رگرسیون (۳)	رگرسیون (۴)	رگرسیون (۵)	متغیرهای توضیحی
	-۰/۵۹	-۱/۴۱	۰/۰۷	-۰/۶۱	-۰/۷۱	عرض از مبدأ
	(-۱/۱۹)	(-۲/۶۰)	(۰/۰۵)	(-۱/۲۸)	(-۱/۳۱)	
	۰/۲۴	۰/۰۱۴	۰/۰۹۶	۰/۲۱	۰/۲۰	نرخ تورم
	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۴۲	۰/۰۱۲	۰/۰۲۷	۰/۰۰۵	
	(۰/۵۸)	(۰/۰۲۷)	(۰/۷۱)	(۱/۴۴)	(۰/۲۹)	درآمد سرانه (لگاریتم)
	۰/۵۷	۰/۷۹	۰/۴۸	۰/۱۶	۰/۷۸	
	۰/۰۹۸	۰/۰۸۱	۰/۱۰۴	۰/۱۳۲	۰/۰۸۸	
	(۱/۷۷)	(۱/۹۸)	(۱/۸۳)	(۲/۳۳)	(۱/۵۳)	حاکمیت قانون و نظم عمومی
	۰/۰۸۶	۰/۰۵۸	۰/۰۷۸	۰/۰۲۷	۰/۱۴	
	۰/۳۰	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۳۰۰	
	(۵/۰۱۷)	(۵/۵۶)	(۴/۹۷)	(۵/۵۰)	(۴/۹۷)	
	۰	۰	۰	۰	۰	درجه باز بودن اقتصاد
	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۲	
	(۱/۳۵)	(۰/۹۱)	(۱/۲)	(۱/۲۴)	(۱/۲۶)	استقلال
	۰/۱۹	۰/۳۷	۰/۲۴	۰/۲۳	۰/۲۲	
	-	۰/۲۵	-	-	-	پاسخگویی
	-	(۱/۷۸)	-	-	-	
	-	۰/۰۸۷	-	-	-	استقلال بانک مرکزی
	-	-	-	-	-	
	-	-	-	-	-	شاخص کلی (استقلال و پاسخگویی)
	-	-	-	-	-	
	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۷۴	مقدار R ^۲
	۱۷/۷۷	۱۶/۴	۱۸/۶	۱۶/۴	۲۰/۹	مقدار آماره F
	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	تعداد نمونه

- اعداد ردیف اول در هر قسمت، مقدار ضرایب متغیرهای مدل، ردیف دوم داخل پرانتز مقدار آماره t و ردیف سوم

احتمال پذیرش فرض صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی کنترلی و تنظیمی بر شاخص توسعه مالی (شاخص private1)

متغیرهای توضیحی	شاخص private1	رگرسیون (۱)	رگرسیون (۲)	رگرسیون (۳)	رگرسیون (۴)	رگرسیون (۵)
عرض از مبدأ		-۰/۱۰۵ (-۰/۲۸)	-۰/۰۱۵ (۰/۰۲۶)	-۰/۵۷ (۰/۶۳)	-۰/۰۶۵ (-۰/۱۷)	-۰/۰۱۸ (۰/۰۴۴)
نرخ تورم		۰/۰۷۷ (۱/۴۳)	۰/۰۹۷ (۱/۴۷)	۰/۵۳ (۱/۵۷)	۰/۸۷ (۰/۷۵)	۰/۰۹۷ (۱/۶۳)
درآمد سرانه (لگاریتم)		۰/۰۷۳ (۱/۷۸)	۰/۰۷۴ (۱/۷۹)	۰/۰۷۹ (۱/۹۳)	۰/۰۶۱ (۱/۳۵)	۰/۰۷۸ (۱/۸۸)
حاکمیت قانون و نظم عمومی		۰/۰۳۷ (۱/۱۰۵)	۰/۰۳۶ (۰/۸۹)	۰/۰۴۲ (۱/۲۴)	۰/۰۳۰ (۰/۷۲)	۰/۰۳۹ (۰/۹۹)
درجه باز بودن اقتصاد		۰/۰۳۱ (۰/۳۱)	۰/۰۳۶ (۰/۳۱)	۰/۰۱۵ (۰/۱۳)	۰/۰۲۵ (۰/۲۲)	۰/۰۳۷ (۰/۳۳)
		۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۸۹	۰/۸۳	۰/۷۴
استقلال		-	-۰/۰۲۶ (-۰/۲۲)	-	-	-
پاسخگویی		-	۰/۸۳	-۰/۱۸ (۰/۸۱)	-	-
استقلال بانک مرکزی		-	-	-	۰/۱۷ (۰/۶۳)	-
شاخص کلی (استقلال و پاسخگویی)		-	-	-	۰/۵۴	-۰/۰۳۱ (-۰/۷۰)
مقدار R ^۲		۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۴۹
مقدار آماره F		۲/۷۳	۲/۱۱	۲/۲۷	۲/۲۱	۲/۲۴
تعداد نمونه		۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲

- اعداد ردیف اول در هر قسمت، مقدار ضرایب متغیرهای مدل، ردیف دوم داخل پرانتز پارانتر مقدار آماره t و ردیف سوم احتمال پذیرش فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب است.
 مأخذ: یافته‌های تحقیق

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۷۷

جدول ۴. بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی کنترلی و تنظیمی بر شاخص توسعه مالی (لگاریتم شاخص عمق مالی)

شاخص عمق مالی (لگاریتم)	رگرسیون (۱)	رگرسیون (۲)	رگرسیون (۳)	رگرسیون (۴)	رگرسیون (۵)	متغیرهای توضیحی
عرض از مبدأ	۲/۰۴ (-۲/۷۱)	۲/۲۲۴ (۱/۸۶)	۴/۷۸ (۲/۶)	۱/۸۶ (۳/۰۵۱)	۱/۹۴ (۲/۳۶)	
نرخ تورم	۰/۰۱۰ (-۰/۰۹۳)	۰/۰۷ (-۰/۰۹۱)	۰/۰۱۵ (-۰/۰۶۹)	۰/۰۰۴۶ (-۰/۰۶۳)	۰/۰۲۴ (-۰/۰۸۷)	
درآمد سرانه (لگاریتم)	۰ (۳/۰۳)	۰/۰۰۰۱ (۳/۲۶)	۰/۰۱۹ (۳/۷۰)	۰/۰۱۰ (۴/۶)	۰/۰۰۰۶ (۳/۶۰)	
حاکمیت قانون و نظم عمومی	۰/۲۵ (۱/۱۱)	۰/۲۷ (۱/۲۲)	۰/۳۲ (۱/۰۵۸)	۰/۳۱ (۲/۳۳)	۰/۲۹ (۱/۰۳۸)	
درجه باز بودن اقتصاد	۰/۲۸ (۱/۱۰۶)	۰/۲۲ (۱/۲۶)	۰/۸۸ (۰/۱۴۷)	۰/۹۲ (۱/۷۴)	۰/۱۵ (۱/۴۷)	
استقلال	-	-۰/۱۱ (-۰/۴۳)	-	-	-	
پاسخگویی	-	۰/۶۷	-۰/۸۶ (-۱/۶۴)	-	-	
استقلال بانک مرکزی	-	-	-	-۱/۱۹ (-۲/۷۹)	-	
شاخص کلی (استقلال و پاسخگویی)	-	-	-	۰/۰۰۸۸	-۰/۶۵ (-۰/۷۹)	
مقدار R ^۲	۰/۵	۰/۶۰	۰/۵۶	۰/۶۹	۰/۶۲	
مقدار آماره F	۸/۶	۹/۵	۸/۳	۳/۸۹	۱۰/۱۷	
تعداد نمونه	۳۹	۳۸	۳۹	۳۷	۳۷	

- اعداد ردیف اول در هر قسمت، مقدار ضرایب متغیرهای مدل، ردیف دوم داخل پرانتز مقدار آماره t و ردیف سوم احتمال پذیرش فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب است. مأخذ: یافته‌های تحقیق

همانگونه که مقادیر آماره t در ستون ۲ در جدول‌های ۲ تا ۴ نشان می‌دهد، این شاخص تنها بر روی private2 تأثیر مثبت و معنادار دارد. تأثیر این شاخص بر روی دیگر شاخص‌های بخش بانکی به لحاظ آماری معنادار نیست. رگرسیون ۳، تأثیر شاخص پاسخگویی را بر روی سه شاخص توسعه بخش بانکی نشان می‌دهد. همانگونه که اطلاعات جدول‌های ۲ تا ۴ نشان می‌دهد تأثیر این شاخص در سطح ۱۰ درصد معنادار نیست. نتایج تأثیر شاخص استقلال بانک مرکزی در رگرسیون ۴ بررسی شده است. این نتایج حاکی از تأثیر منفی و معنادار شاخص استقلال بانک مرکزی بر روی شاخص‌های private2 و شاخص عمق مالی است. این نتیجه را می‌توان با توجه به ماهیت دو شاخص اخیر (private2 و شاخص عمق مالی) یعنی همبستگی این دو شاخص به GDP تفسیر نمود. یعنی چون درجه استقلال بانک‌های مرکزی در کشورهای با GDP بالاتر، بیشتر است، پس با افزایش GDP درجه استقلال افزایش یافته و همزمان مقدار شاخص‌های private2 و عمق مالی کاهش می‌یابند. رگرسیون ۵ در هر جدول، تأثیر شاخص کلی (یعنی شاخص ترکیبی از دو شاخص استقلال و پاسخگویی) را بر روی شاخص‌های توسعه بانکی نشان می‌دهد. اطلاعات جدول‌های ۲ تا ۴ معناداری رگرسیون‌ها را تأیید می‌کند؛ همچنین نشان می‌دهد که در هیچ یک از رگرسیون‌ها تأثیر متغیر اخیر معنادار نیست.

به‌طور کلی، نتایج آزمون‌های یادشده تأثیر مثبت و معنادار شاخص لگاریتم درآمد سرانه را بر روی توسعه مالی تأیید می‌کند. تأثیرگذاری شاخص حکمرانی عمومی امور بر روی شاخص private2 و در یک رگرسیون بر روی شاخص عمق مالی رد نشده است. نکته حائز اهمیت در این رگرسیون‌ها عدم تأثیرگذاری معنادار اشکال گوناگون شاخص‌های کنترلی و تنظیمی بر روی شاخص‌های بخش بانکی است. این نتیجه به دو صورت قابل تفسیر است. اصول طراحی شده بازل، معیار مناسبی را برای ارزیابی وضعیت اعتباردهی نظام بانکی به‌دست نمی‌دهد و یا اینکه زمان بیشتری لازم است تا نتایج ارزیابی‌ها بتوانند وضعیت نظام بانکی را تشریح و توصیف کنند.

۶. خلاصه و نتیجه‌گیری

مطالعات گسترده‌ای در خصوص تأثیر مثبت آزادسازی مالی، با تأکید بر آزادسازی نرخ بهره، بر روی رشد اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام شد و در نهایت اجرای این سیاست را سرلوحه برنامه توسعه اقتصادی کشورها قرار داد. اما وقوع بحران‌های سه دهه اخیر، موجب شد اجرای بدون قید و

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۲۹

شرط آزادسازی نرخ بهره مورد تجدید نظر قرار گرفته و محیط و بستر مناسب نهادی برای اجرای این سیاست‌ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد. تعریف مفهوم توسعه نهادی و شناخت ویژگی‌های آن در بازارهای مالی از مقوله‌هایی است که در دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و تلاش شده است تا معیارهایی برای تبیین وضعیت نهادی در بخش مالی تعریف و محاسبه شود. اصول محوری بازل نیز با هدف کنترل کیفیت نهادهای مالی، تنظیمی و کنترلی تعریف شد و کمیته‌ای برای ارزیابی نظام‌های بانکی کشورها براساس این اصول از سال ۱۹۹۸ شروع به فعالیت نمود.

با وجود تلاش‌های کشورهای در تجدید نظر در معماری نظام مالی و بانکی و همچنین پیشرفت‌های اخیر در تدوین پروتکل‌ها و استانداردهای بخش بانکی، جهان هنوز شاهد بحران‌های مالی گسترده‌ای است که نقطه آغازین آن بحران‌ها از کشورهایی است که به لحاظ استانداردهای مزبور، وضعیت مناسب و گاهی وضعیت بسیار خوبی را نشان می‌دهند.

در مطالعه حاضر با استفاده از اطلاعات شاخص‌های بین‌المللی ریسک کشورها، شاخص حاکمیت قانون و نظم عمومی به عنوان یک معیار اصلی و مهم در وضعیت حکمرانی عمومی امور تعریف و تأثیر آن بر روی شاخص‌های توسعه بخش بانکی در ۵۳ کشور و در دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج برآوردها تأثیر معنادار و مثبت این شاخص را در توسعه مالی کشورهای مورد مطالعه نشان داد. معیار حکمرانی کنترلی و تنظیمی نیز با استفاده از داده‌های دوناتو ماسیاندارو، مارک کوپنتین و مایکل تیلور (۲۰۰۸) که برگرفته از ارزیابی‌های کمیته بازل بوده به چهار شکل پاسخگویی، استقلال، شاخص ترکیبی از این دو شاخص و شاخص استقلال بانک مرکزی تعریف و وارد مدل شد. نتایج برآوردها رابطه معناداری را میان این شاخص‌ها و شاخص‌های توسعه بخش بانکی نشان نمی‌دهد. این نتیجه، ارتباط معنادار معیارهای بازل با وضعیت بخش بانکی و نحوه اعتباردهی در نظام بانکی را تأیید نمی‌کند. هرچند این نتیجه با تحلیل رانجیت لال (۲۰۰۹) که اثبات نموده اصول بازل علت بحران مالی اخیر است، انطباق دارد اما تحلیل دقیق‌تر نیاز به زمان بیشتر برای تکرار ارزیابی‌ها بر مبنای اصول بازل و وجود داده‌های آماری بیشتر برای تحلیل دارد.

۷. توصیه‌های سیاستی

۱. برای توسعه مالی و بهبود و ارتقای شاخص‌های بخش بانکی، با فرض ثابت بودن متغیرهای کنترلی اقتصاد، بهبود وضعیت حکمرانی عمومی لازم و ضروری است. در میان شاخص‌های حکمرانی عمومی، شاخص حاکمیت قانون و نظم عمومی نقش مهم و کلیدی را در ارتقای وضعیت حکمرانی عمومی ایفا می‌کند. لازم به تأکید است که حاکمیت قانون و نظم عمومی بیانگر وضعیت استحکام و بی‌طرفی سیستم حقوقی و رعایت قوانین توسط مردم است.
۲. وجود نداشتن ارتباط معنادار شاخص‌های استقلال و پاسخگویی به عنوان دو شاخص حکمرانی کنترلی و تنظیمی، می‌تواند حاکی از این واقعیت باشد که اصول محوری بازل، که براساس آن وضعیت نهادهای مالی کشورها (بدون توجه به درجه و میزان توسعه‌یافتگی آنها)، بررسی و ارزیابی می‌شود و در حال حاضر به‌طور گسترده مورد استقبال این کشورها قرار گرفته است، کاربرد عمومی ندارد و لازم است معیارهای لازم برای بررسی وضعیت بخش بانکی کشورها با توجه به شرایط آنها طراحی شود. بدیهی است در این راستا لازم است اطلاعات و آمار بیشتری، حداقل برای دو دوره ارزیابی در دسترس باشد.
۳. تأثیر منفی و معنادار نرخ تورم بر روی شاخص‌های توسعه بخش بانکی، بیانگر ضرورت کنترل تورم به منظور ارتقاء و بهبود وضعیت بخش بانکی است.
۴. با توجه به تأثیر مثبت و معنادار درآمد سرانه بر توسعه شاخص‌های بخش بانکی، اولویت اجرای سیاست‌هایی با هدف افزایش درآمد سرانه برای ارتقای بخش بانکی به اثبات می‌رسد.

منابع

الف- فارسی

- بانک جهانی (۱۳۸۵)، «گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲، نهادسازی برای بازار»، ترجمه علی حبیبی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- پوررستمی، ناهید (۱۳۸۷)، نقش نهادهای عمومی و مالی در توسعه مالی و رشد اقتصادی، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۸۱

شاهچرا، مهشید (۱۳۸۹). «تغییرات در مقررات کمیته بال»، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۲۹، سال هشتم.

کمیجانی، اکبر و ناهید پوررستمی (۱۳۸۷)، «تأثیر سرکوب مالی بر رشد اقتصادی (مقایسه کشورهای کمتر توسعه یافته و نوظهور)»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، زمستان ۸۷، شماره ۳۷. کمیجانی، اکبر، عبادی، جعفر و ناهید پوررستمی (۱۳۸۷)، «آزادسازی مالی و نقش آن در توسعه مالی با توجه توسعه نهادی و قانونی»، نامه مفید اقتصادی، جلد ۴، شماره ۲، دانشگاه مفید.

کمیجانی، اکبر، متوسلی، محمود و ناهید پوررستمی (۱۳۸۸)، «چارچوب نظری تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی (با تأکید بر مدل ویلیامسون)»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۰، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، انتشارات سمت.

میدری، احمد (پاییز ۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، نشریه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۲۹۰-۲۶۱.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، «حکمرانی خوب بنیان توسعه»، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، دفتر بررسی‌های اقتصادی، شماره ۱۷.

نورث، داگلاس سی (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

ویلیامسون، اولیویر ای (۱۳۸۱)، «اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرارو»، ترجمه محمود متوسلی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۳ (اردیبهشت و خرداد)، صفحات ۴۱-

۳.

ب- انگلیسی

Alesina, A. and G. Tabellini (2004), "Bureaucrats or Politicians", NBER Working Paper 10241, National Bureau of Economic Research, Cambridge, Massachusetts.

Caprio, J. R. Greard and Ross Levine (2002), "Corporate Governance in Finance: Concepts and International Observations", Public Sector Governance and the Finance Sector, Brookings Institution Press.

Carmichael, Jeffrey (2002), *Public Sector Governance and the Finance Sector*, Brookings Institution Press.

- Carmichael, Jeffrey and Daniel Kaufmann (2001), "Public Sector Governance and the Finance Sector", Paper prepared for World Bank-International Monetary Fund-Federal Reserve Board Conference on Policy Challenges for the Financial Sector in the Context of Globalization, Washington.
- Chinn, Menzie, D. and Ito, Hiro (2005), "What Matters for Financial Development? Capital Controls, Institutions, and Interactions", Working Paper 11370.
- Cihak, Martin (2006), "How Do Central Banks Write on Financial Stability?", IMF Working Paper, WP/06/163.
- Das, Udaibir S. and Marc Quintyn (2002), "Crisis Prevention and Crisis Management: The Role of Regulatory Governance", IMF Working Paper, 163.
- Das, Udaibir S., Quintyn, Marc and Kina Chenard (2004), "Does Regulatory Governance Matter for Financial System Stability? An Empirical Analysis", IMF, WP, 04, 89.
- Demirguc-kunt, A. and E. Detragiache (2010), "Basel Core Principles and Bank Soundness: Does Compliance Matter?", *Journal Financial Stability*, doi:10.1016/j.jfs2010.03003
- Demirguc-kunt, A., Detragiache, E. and T. Tressel (2008), "Banking on the Principles: Compliance with Basel Core Principles and Bank Soundness", *Journal of Financial Intermediation*, pp. 511-542
- Demirguc-kunt, Asli and Enrica Detragiache (1998), "Financial Liberalization and Financial Fragility", Annual World Bank Conference on Development Economics, pp. 303-331.
- Fry, M. J. (1995), *Interest and Banking in Economic Development*, Birmingham, U.K. University of Birmingham, the John Hopkins University Press.
- Implementation of the Basel Core principles for Effective Banking Supervision, Experiences, Influences and Perspectives, IMF, 2002. In Selected Countries from IMF. World Bank and International Monetary Fund/www.worldbank.org.
- International Financial Statistics (2010), IMF.
- Johnson, Simon, *et al* (2000), "Corporate Governance in the Asian Financial Crisis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 58, pp. 141-186.
- Kaufmann, Daniel (2002), "Public and Private Misgovernance in Finance: Perverse Links, Capture, and Their Empirics", Public Sector Governance and the Finance Sector, Brookings Institution Press.
- La Porta, Rafael, *et al* (July 1997), "Legal Determinants of External Finance", *Journal of Finance*, Vol. LII, No.3.

- Lall, R. (2009), "Why Basel II Failed and Why Any Basel III is Doomed", Global Economic Governance Programme, Working Paper, Oxford University
- Litan, Robert E., Micheal, Pomerleano and Vasudevan Sundarajan (2002), "Financial Sector Governance: The Role of the Public and Private Sectors", Public Sector Governance and the Finance Sector, Publisher: Brooking Institution Press.
- Masciandaro, Donato and Marc Quintyn (2008), "Helping Hand or Grabbing Hand? Politicians, Supervision Regime, Financial Structure and Market View", *North American Journal of Economics and Finance*, Vol. 19, pp. 153-173.
- Masciandaro, Donato, Quintyn, Marc and Micheal, W. Taylor (2008), "Inside and Outside the Central Bank: Independence and Accountability in Financial Supervision Trends and Determinants", *European Journal of Political Economy*, Vol. 24, pp. 833-848
- Quintyn, M. (2007), "Governance of Financial Supervisors and Effects-A Stocktaking Exercise", IMF.
- Quintyn, Marc, Ramirez, Silvia and Michael W. Taylor (2007), "The Fear of Freedom: Politicians and the Independence and Accountability of Financial Sector Supervisors", IMF Working Paper No. 07/25.
- Williamson, Oliver E. (2000), "The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead", *Journal of Economic Literature*, pp. 595-613.

Archive of SID

پیوست

Country	Governance features of supervisory function			Governance features of monetary policy function
	Accountability	Independence	Total rating	Independence GMT
Armenia	۰/۶۴	۰/۸۴	۰/۷۴	۰/۸۱
Australia	۰/۶۷	۰/۷۶	۰/۷۱	۰/۶۳
Austria	۰/۵۰	۰/۷۹	۰/۶۴	۰/۹۴
Bahamas	۰/۵۷	۰/۸۴	۰/۶۰	۰/۳۱
Belgium	۰/۶۲	۰/۹۲	۰/۷۶	۰/۹۴
Brazil	۰/۵۰	۰/۵۵	۰/۵۳	۰/۶۳
Canada	۰/۶۹	۰/۵۵	۰/۶۳	۰/۶۳
Chile	۰/۶۷	۰/۶۶	۰/۶۶	۰/۶۹
China	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۵۶
Colombia	۰/۷۱	۰/۶۸	۰/۶۰	۰/۵۰
Cyprus	۰/۴۰	۰/۷۴	۰/۵۶	۰/۵۶
Czech republic	۰/۵۷	۰/۸۶	۰/۷۱	۰/۸۸
Denmark	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۷۵
Ecuador	۰/۴۸	۰/۸۷	۰/۶۶	۰/۹۴
Egypt	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۳۸
El Salvador	۰/۵۰	۰/۶۱	۰/۵۵	۰/۸۱
Finland	۰/۶۷	۰/۶۱	۰/۶۹	۰/۹۴
France	۰/۶۷	۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۹۴
Germany	۰/۷۶	۰/۴۷	۰/۶۳	۰/۸۸
Greece	۰/۴۸	۰/۷۹	۰/۶۳	۰/۸۱
Guatemala	۰/۴۸	۰/۲۱	۰/۳۵	۰/۶۳
Hungary	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۹۴
India	۰/۴۸	۰/۶۳	۰/۵۵	۰/۵۰
Indonesia	۰/۶۲	۰/۹۵	۰/۷۸	۰/۶۹
Ireland	۰/۸۱	۰/۹۲	۰/۸۶	۰/۸۱
Israel	۰/۴۸	۰/۵۳	۰/۵۰	۰/۳۸
Italy	۰/۵۲	۰/۸۲	۰/۶۶	۰/۸۱
Japan	۰/۶۲	۰/۴۷	۰/۵۵	۰/۴۴
Korea	۰/۵۷	۰/۴۷	۰/۵۳	۰/۵۶
Latvia	۰/۶۷	۰/۸۷	۰/۷۶	۱
Mauritius	۰/۴۳	۰/۷۱	۰/۵۶	۰/۵۰
Mexico	۰/۶۲	۰/۸۲	۰/۷۱	۰/۶۹

نقش نهادهای قانونی (عمومی) و تنظیمی در توسعه مالی با تأکید بر بخش بانکی ۸۵

Country	Governance features of supervisory function			Governance features of monetary policy function
	Accountability	Independence	Total rating	Independence GMT
Morocco	۰/۳۳	۰/۴۲	۰/۳۸	۰/۵۰
Netherlands	۰/۶۷	۰/۸۴	۰/۶۵	۰/۸۸
New Zealand	۰/۷۱	۰/۷۴	۰/۷۳	۰/۴۴
Nicaragua	۰/۵۲	۰/۷۹	۰/۶۵	۰/۵۶
Nigeria	۰/۵۲	۰/۶۱	۰/۵۶	۰/۴۴
Norway	۰/۶۲	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۷۵
Peru	۰/۴۸	۰/۸۹	۰/۶۸	۰/۶۹
Philippine	۰/۴۳	۰/۶۱	۰/۵۶	۰/۶۳
Poland	۰/۶۲	۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۸۸
Portugal	۰/۶۰	۰/۸۹	۰/۷۴	۰/۸۱
South Africa	۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۵۴	۰/۲۵
Spain	۰/۸۳	۰/۶۳	۰/۷۴	۰/۸۸
Sri Lanka	۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۵۴	۰/۵۶
Sweden	۰/۷۶	۰/۴۷	۰/۶۳	۰/۹۴
Switzerland	۰/۵۲	۰/۷۶	۰/۶۴	۰/۹۴
Trinidad & Tobago	۰/۵۲	۰/۷۴	۰/۶۳	۰/۴۴
Tunisia	۰/۳۳	۰/۶۱	۰/۴۶	۰/۶۹
Turkey	۰/۶۲	۰/۸۲	۰/۷۱	۰/۸۱
Uganda	۰/۵۲	۰/۶۶	۰/۵۹	۰/۵۶
United Kingdom	۰/۷۱	۰/۸۲	۰/۷۶	۰/۶۹
Zambia	۰/۷۱	۰/۴۵	۰/۵۹	۰/۴۴

Source: QRT(2007) and own calculations for supervisory independence and accountability. Arnone, *et al* (2007) for update of GMT index on monetary policy independence.